

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماتم شاهان

«نوحه های فارسی و گالشی»

به کوشش: ایرج هدایتی شهیدانی

سرشناسه	: هدایتی شهیدانی، ایرج، ۱۳۴۰، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: ماتم شاهان: «نوحه‌های فارسی و گالشی» / به کوشش ایرج هدایتی شهیدانی.
مشخصات نشر	: رشت: سپیدرود، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۱ ص.
شابک	: 978-622-7059-88-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: نوحه‌های فارسی و گالشی.
موضوع	: شعر مذهبی فارسی -- ایران -- قرن ۱۴ Religious poetry, Persian -- Iran -- 20th century Gilaki poetry -- 20th century Galeshi accent شعر گیلکی -- قرن ۱۴ گالشی
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۶۴
رده بندی دیویی	: ۸۱۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۶۸۹۰۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

رشت: خ حاجی آباد، پاساژ شهر طبقه اول، کدپستی ۱۸۷۳۶-۴۱۳۶۷ تلف: ۳۳۲۳۳۳۶ همراهِ: ۰۹۱۱۳۴۸۲۹۰۹
 نشر
 سپیدرود

ماتم شاهان

■ به کوشش	: ایرج هدایتی شهیدانی
■ ناشر	: انتشارات سپیدرود
■ نوبت چاپ	: اول ۱۴۰۰
■ طرح جلد	: پوریا هدایتی شهیدانی
■ صفحه‌آرایی	: هنر و اندیشه
■ شمارگان	: ۵۰۰ نسخه
■ قیمت	: ۶۵۰۰۰ هزار تومان
■ شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۵۹-۸۸-۵

کلیه حقوق برای پدیدآور محفوظ است و هرگونه کپی برداری به موجب قانون پیگرد قانونی دارد.

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	پیشگفتار.....
۱۷	مروری بر مراسم عزاداری در برخی از روستاهای شهرستان‌های رودبار و سیاهکل.....
۲۰	اسامی تعدادی از مداحان قدیمی منطقه.....
۲۲	۷۲ تن: شهداء کربلا.....
۵۱	حسین (ع).....
۵۴	همای رحمت.....
۵۶	نوحه سینه‌زنی امام علی (ع).....
۵۹	در مصیبت فاطمه زهرا (س).....
۶۱	نوحه سینه‌زنی فاطمه زهرا (س).....
۶۳	در مصیبت حضرت امام حسن مجتبی (ع).....
۶۵	نوحه سینه‌زنی حضرت امام حسن (ع).....
۶۸	در مصیبت حضرت مسلم (ع).....
۶۹	زبان حال حضرت مسلم (ع).....

پیش گفتار

با قلم چون عهد کردم خالق انشاء شوم
شرط بنمود تا قیامت ذاکر مولا شوم
بار الها من که با نام شهیدان دل خوشم
دوست دارم ریزه خوار سفره آنها شوم
آنچه گفتم با سرودم از سر اخلاص بود
خالقا نگذار من شرمنده آقا شوم
ای خدا در زرق و برق زندگی گم گشته‌ام
لطف فرما روسفید در محضرت پیدا شوم
بر من عاصی نما با گوشه چشمی نظر
بیم دارم در قیامت بی کس و تنها شوم^۱

آنچه را در این مجموعه می‌خوانید، گل چینی از اشعار عاشقان و ارادتمندان آزادمردی است که زبان بشریت در توصیف مقام او قاصر، و قیامت در برابر ظلم بی‌مانند است. در کودکی پدر و مادرم به من اموختند که هرگز از نام حسین غافل مباش، از نوجوانی افتخار

ذاکری این رادمرد آزادی را داشتم، سال دوم راهنمایی تحصیلی در مدرسه گیل تازه‌آباد جنگاه معلم آزاده‌ای به من گفت تو که مداحی می‌کنی این نوحه را هم بخوان و این شعر را که از سروده‌های خوشدل تهرانی بود برایم نوشت.

بزرگ فلسفه قتل شاهدین این است
 که مرگ سرخ به زندگی ننگین است
 حسین مظهر آزادگی و آزادی است
 خوشا کسی که چنیش مرام و آیین است
 نه ظلم بکن به کسی نه به زیر ظلم برو
 که این مرام حسین است و منطق دین است.
 همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافست
 اگرچه گریه بر آلام قلب تسکین است
 ببین که مقصد عالی وی چه بوده است ای دوست
 که درک آن سبب عز و جاه و تمکین است
 زخاک مردم آزاده بسوی خون آید
 نشان شیعه و آثار پیروی این است
 زخون سرخ شهیدان کربلا دلخوش
 دهان غنچه و دامن لاله رنگین است